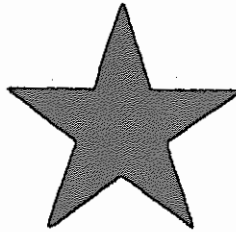

کارگران جهان متحد شوید!



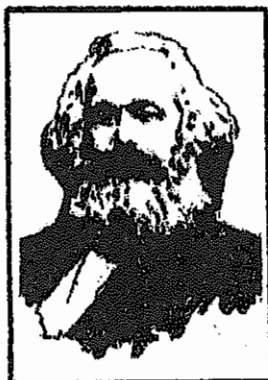
برنامه
حزب کمونیست

مصوب :

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له

اردیبهشت ۱۳۶۱

اتحاد مبارزان کمونیست



برنامه

حزب کمونیست

مصوب :

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومهله -
اتحاد مبارزان کمونیست

اردیبهشت ۱۳۶۱

چاپ اول

کمونئیستها همیشه ملزم بوده‌اند که نظرات، اهداف و تمایلات خود را به روشن‌ترین وجه بیان دارند و موقعیت کنونی انقلاب ایران، نیاز طبقه کارگر ایران به رهبری مصمم و انقلابی و وجود احزاب و نیروهای متعدد بورژوازی در ایران و جهان که ریاکارانه تحت نام کمونیسم سخن میگویند، ادای این وظیفه را بیش از پیش مبرم ساخته است.

ما در پاسخ به این وظیفه مبرم اعلام میداریم که بر تئوری مارکس، انگلس و لنین اتکا داریم و بر صحت و حقانیت آموزشهای این تئوری پای می‌نشانیم. این تئوری راه مبارزه مبارزان را روشن نموده است. این تئوری اهداف و شیوه‌های کمونیست‌ها را توضیح داده و تأکید کرده است که وظیفه حزب پرولتری برنامه‌پردازی برای نوسازی و اصلاح سرمایه‌داری و موعظه‌خوانی برای سرمایه‌داران دربارہٴ بهبود وضع کارگران نیست، توسل به فریب و دسیسه و معامله‌گری برای نیل به قدرت نیست، بلکه سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و رهبری این مبارزه در تمام وجوه آنست. مبارزه‌ایکه تصرف قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و سازمان دادن جامعهٴ سوسیالیستی، هدف نهائی آن را تشکیل میدهد.

ما کمونیستها منافع جدا از منافع طبقه کارگر نداریم و معتقدیم که طبقه کارگر به نیروی خود آزاد میگردد، پس وظیفه خود را این قرار داده‌ایم که در همه جا تضاد منافع کارگران و سرمایه‌داران را افشاء کنیم.

مبانی استثماری و مشقات طبقه کارگر در نظام سرمایه‌داری را روشن نمائیم و مبارزه طبقاتی کارگران را در جهت پیروزی انقلاب اجتماعی پرولتاریا، که نه تنها طبقه کارگر بلکه تمام بشریت را راه خواهد ساخت، سازماندهی و رهبری کنیم.

از این رو ما برنامه خود را اعلام میداریم، طبقه کارگر را به مبارزه حول آن فرامیخوانیم و برای تبدیل احکام و مبانی آن به پرچم جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران پیگیرانه مبارزه میکنیم.



ایران کشوری سرمایه‌داری است. اصلاحات ارضی دهه چهل جریان طولانی و کند تحول شیوه تولیدی ایران از فئودالی به سرمایه‌داری را به فرجام رسانید. اصلاحات ارضی، میلیونها روستایی را که در نتیجه آن خلع ید شده بودند به بازار کار مزدی، عمدتاً در شهرها و به درجه کمتری در روستا، روانه کرد و آن ارتش وسیع کارگران مزدی را که شرط لازم تسلط تولید و استثمار سرمایه‌داری است، بوجود آورد. این خلع ید که اساساً بر مبنای نیازهای سرمایه امپریالیستی صورت گرفت، ایران را بمثابه یک کشور تحت سلطه امپریالیسم به جرگه کشورهای سرمایه‌داری کشانید.

بدینسان در ایران نیز همچون دیگر کشورهای سرمایه‌داری، مبارزه استثماری و روشندگان علیه استثماریکنندگان بر محور مبارزه پرولتاریا و بورژوازی بمثابه طبقات اصلی جامعه شکل

میگیرد.

۲.

خصلت جهانی نظام سرمایه‌داری به جنبش عظیم طبقه کارگر برای رهایی، ناگزیر خصلتی جهانی می‌بخشد. مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه‌داری مبارزه‌ای بین‌المللی است، اما طبقه کارگر هر کشور باید در وهله اول کار را با بورژوازی کشور خود بکسره کند.

۳.

ما خود را بخشی از جنبش طبقه کارگر ایران و به این اعتبار جزء یکی از گردانهای ارتش جهانی طبقه کارگر میدانیم، و برای همان هدفی مبارزه می‌کنیم که کمونیستهای سراسر جهان پیش‌اروی خود قرار داده‌اند. این هدف که بوسیله خصوصیات بنیادی جامعه سرمایه‌داری و روند تکوین و توسعه آن معین گشته است، برچیدن نظام سرمایه‌داری و جایگزینی آن با سوسیالیسم است.

۴.

نظام سرمایه‌داری منشاء عوامل بقای تسمام مشقات و محرومیت‌های مادی و معنوی و موقعیت ناامن و نابسامان کارگران و توده‌های زحمتکش و تهیدست در سراسر جهان است. این نظام مسبب فقر و فلاکت و قحطی، بیکاری و بی‌خانمانی و جنگ، تبعیضات اجتماعی و بی‌حقوقی سیاسی، تبعیض نژادی، ستم‌ملی و ستم‌کشی زن، جهل، فحشاء و اعتیاد و کلیه مصائب گریبانگیر توده‌ها است.

خصوصیت اصلی این نظام کالا شدن نیروی کار و استثمار کارمزدی است. در این نظام بخش اعظم و عمده وسائل تولید و مبادله در مالکیت خصوصی و یا تحت اختیار طبقه‌ای است که اقلیتی ناچیز را در جامعه در بر می‌گیرد و برای کسب سود هر چه

بیشتر، اکثریت عظیم جامعه را که عمدتاً از پرولتورها و نیمه پرولتورها تشکیل می‌شود که برای ادامهٔ حیات دائماً یا متناوباً ناچار از فروش نیروی کار خویش هستند، استثمار می‌کند. در این نظام هر قدر کارگران بیشتر و شدیدتر کار می‌کنند و به ثروت اجتماعی می‌افزایند، سرمایه قدرت اجتماعی بیشتری می‌یابد؛ هر چه سرمایه قدرت‌مندتر می‌شود، تسوده‌های وسیع کارگروزمستکش به ناسامانی و محرومیت‌های اجتماعی عمیق‌تری دچار می‌گردند.

رقابت و هرج و مرج تولید اجزاء لایتجسزای تولید سرمایه‌داری هستند و دقیقاً از درون و مجرای این هرج و مرج تولید است که قوانین کوراقتصادی جامعه سرمایه‌داری، خود را اعمال می‌کنند و نتایج و عواقب فلاکت‌بار خود را به بار می‌آورند. همراه با انباشت و تمرکز ناگزیر و روزافزون سرمایه، از یکسو استثمار توده‌های کارگرددت می‌یابد و از سوی دیگر اقشار هر چه وسیع‌تری از تولیدکنندگان خرد به ورشکستگی کشیده شده و به صفوف طبقه کارگر رانده می‌شوند و یا در شرایط فلاکت‌باری به سرمایه وابسته می‌گردند. همچنین بحران‌های اقتصادی ادواری و مکرر سرمایه‌داری که نتیجهٔ اجتناب‌ناپذیر تضاد ذاتی این نظام، یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و خصلت خصوصی مالکیت پروساثل تولید است، هر بار بمراتب به ابعاد مشقات توده‌ها می‌افزاید و شکاف میان فقیر و غنی را عمق و گسترش بیشتری می‌بخشد.

۵

اما نابودی سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر است، چه این نظام در سیر توسعه خود ضرورت و شرایط نابودی خود را فراهم می‌آورد. نظام سرمایه‌داری از یکسو بدلیل تضادهای بنیادی اقتصادی‌اش و اساساً از آنرو که همراه با انباشت سرمایه، عرصه

سودآوری هر چه بیشتر به سرمایه تنگ می‌شود، به بین بست می‌رسد. و از سوی دیگر این نظام در بطن خود گورکن خویش یعنی پرولتاریا را بوجود می‌آورد. در روند توسعه سرمایه‌داری بر شمار کارگران افزوده می‌شود، قدرت و همبستگی طبقه کارگر افزایش می‌یابد، پرولتاریا قدرت خود را بیشتر در می‌یابد و نیاید برود و برضد استثمار کارگران جاد تر و پرتوان تر می‌شود. بعلاوه رشد قدرت تولیدی و اجتماعی شدن هر چه بیشتر تولید در نظام سرمایه‌داری، مقدمات و امکان مادی تحقق سوسیالیسم را فراهم می‌سازد.

همراه با توسعه سرمایه‌داری نارضایتی عمومی از وضع موجود شدت می‌گیرد، اما در مقابل تمام اقشار غیر پرولتر که به درجات مختلف در حفظ بنیادهای سرمایه‌داری ذینفعند، این تنها پرولتاریاست که بدلیل جایگاه ویژه خود در تولید اجتماعی، تنها طبقه تا آخر انقلابی و قادر به نابودی نظام سرمایه‌داری است.

۶.

انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا از استثمار کارگران خلق پید میکند و وسائل تولید و مبادله را که با کار و تلاش و به قیمت مشقات و محرومیت‌های میلیونها کارگر و زحمتکش بوجود آمده‌اند، از مالکیت خصوصی و اختیار طبقه سرمایه‌دار خارج کرده و در اختیار کل جامعه قرار می‌دهد. جایگزینی مالکیت اجتماعی بجای مالکیت خصوصی امکان می‌دهد که نیروهای مولد عظیم و دستاوردهای مادی و معنوی گوناگون جامعه در همه زمینه‌های علوم، تکنولوژی و فرهنگ که در نظام سرمایه‌داری تنها در جهت سودآوری هر چه بیشتر سرمایه به کار گرفته می‌شوند، در خدمت رفع نیازهای مادی و معنوی توده مردم درآیند. رقابت جای خود را به تعاون و همکاری همگانی می‌دهد و تولید سوسیالیستی سازمان یافته و برنا مهربی

شده بجای هرج و مرج تولید سرمایه داری می نشینند.

بدین ترتیب انقلاب اجتماعی پرولتاریا به تمامی اشکال بهره کشی بخشی از جامعه از بخش دیگر و به تقسیم جامعه به طبقات استثما رگرواستثما رشونده و طبقات بالادست و فرودست پایان میدهد و حداکثر رفاه و ارتقاء همه جانبه زندگی آحاد مردم را تامین میکند. بدین سان انقلاب اجتماعی پرولتاریا بشریت را بسه جامعه کمونیستی رهنمون میشود. جامعه ای که در آن همراه با طبقات، دولت نیز زوال یافته و بشریت برای نخستین بار بسر سازمان اجتماعی خود مسلط خواهد شد و در نتیجه به معنای واقعی آزاد خواهد گشت.

۷

شرط لازم تحقق انقلاب اجتماعی پرولتاریا و بسرقراری سوسیالیسم، درهم کوبیدن ماشین دولتی بورژوازی، تسخیر قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و استقرار دیکتاتور پرولتاریا است. دیکتاتور پرولتاریا، پرولتاریای سازمان یافته به مثابه طبقه حاکمه است. این دولت نوین وظیفه به فرجام رساندن انقلاب اجتماعی و سرکوب مقاومت استثما رگران را بعهده دارد. دیکتاتور پرولتاریا، دموکراسی بسررای کارگران و توده های وسیع زحمتکش و ستمدیده و سرکوب برای استثما رگران است و این کاملترین و عالیترین نوع دموکراسی است.

۸

برای آنکه طبقه کارگر به انجام رسالت تاریخی خود نائل شود باید که حزب مستقل طبقاتی و ستاد رهبری کننده مبارزه خود علیه سرمایه داری، یعنی حزب کمونیست را برپا دارد. حزبی که با اتکا بر تئوری مارکس، انگلس و لنین کلیه وجوه مبارزه

طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی را سازمان داده و طبقه کسارگر را در انجام انقلاب اجتماعی رهبری مینماید. حزبی که علاوه بر این، چاره ناپذیری مشقات و محرومیت های سیرتوده های تحت-ستم و استثمار در چهارچوب نظام سرمایه داری را برای انسان توضیح داده و آنان را در مبارزه برای رهایی کامل، به ترک موضع طبقاتی خود و پیوستن به صفوف پرولتاریای انقلابی فرامیخواند.

۹.

از ابتدای قرن بیستم سرمایه داری به مرحله امپریالیسم پانهاده است. امپریالیسم یا مرحله انحصاری سرمایه داری، عصری است که در آن انحصارات و سرمایه مالی سیادت بدست آورده و رقابت آزاد میان اقشار و احاد سرمایه راتحت الشعاع خود قرار میدهد. در عصر امپریالیسم صدور سرمایه بمنظور کسب فوق سود، یعنی سودی مافوق آنچه انحصارات از بهره کشی از کارگران کشورهای امپریالیستی بدست می آورند، اهمیتست فوق العاده ای پیدا میکنند و تمام کشورهای جهان زیر یوغ سرمایه و امپریالیسم کشیده میشوند. در این عصر سراسر جهان از طرف انحصارات بزرگ امپریالیستی و دولت های امپریالیست از نظر اقتصادی و ارضی تقسیم میگردد. جنگ های امپریالیستی که در ادامه کشمکش ها و رقابت های سبعانه میان انحصارات و دول امپریالیستی مختلف بخاطر استیلاء بر جهان و با تجدید تقسیم آن، بمنظور تسلط بر بازارهای کار و کالا و منابع مواد خام و به قضا نقیاد و الحاق ملت های کوچک و ضعیف تر برپا میشوند، در این عصر اجتناب ناپذیرند. دو جنگ جهانی و خانمان برانداز اول و دوم به همین منظور برپا شدند.

تشدید بحرانها و بیکاری و خاتمه خرابی مزمین میلیونها

انسان در سراسر جهان، سرکوب مستمرو خونین کارگران و خلقهای تحت ستم کشورهای مختلف، میلیتاریسم و ارتجاع سیاسی در اشکال گوناگون، همه‌بیا نگر این واقعیت است که امپریالیسم بمشابه با لاترین مرحله سرمایه‌داری تمام خصوصیات استثمارگرانه و تضادهای بنیادی اقتصادی این نظام و نیز تمام ستمگری‌ها و مشقات ناشی از آن را شدت می‌بخشد.

نظریه عوامل فوق، امپریالیسم نه تنها با لاترین مرحله سرمایه‌داری، بلکه مرحله گندیدگی، احتضار و زوال آن نیز هست. عصر امپریالیسم در عین حال عصر انقلاب سوسیالیستی پرولتاریاست.

۱۰

یکی از موانع اصلی سرازه مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای سوسیالیسم، رویزیونیسم است. رویزیونیسم یک پدیده بین‌المللی است و با وجود اینکه در هر کشور ممکن است مضمون و شکل ویژه‌ای بخود بپذیرد، اساساً به معنای عدول از مبانی تشریحی و برنامۀ انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و تحریف بورژوازی آن است که در زمینه سیاسی به معنای نفی مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریاست. رویزیونیست‌ها و احزاب مختلف رویزیونیست که در کشورهای مختلف نمایندگان فکری و عاملین نفوذ بورژوازی در صفوف جنبش انقلابی طبقه کارگر میباشند، نقشی جز کشانیدن پرولتاریا به زیر سلطه بورژوازی ندارند. لذا، مبارزه برای سوسیالیسم از نقطه نظر پرولتاریای انقلابی از مبارزه علیه رویزیونیسم و اشکال متنوع آن جدا نیست. رویزیونیسم در سطح بین‌المللی امروزه عمدتاً در اشکال رویزیونیسم مدرن (خروشچفنی)، رویزیونیسم "سه‌جهانی"، "کمونیسم اروپائی" و تروتسکیسم به‌خیانت خود به طبقه کارگر ادامه می‌دهد. بعلاوه رویزیونیسم

پوپولیسیتی نیز بمثابة رادیکالیسم خرده بورژواشی تحت پوشش مارکسیسم، بویژه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم امروزه به مانع مهمی بر سر راه استقلال و رشد جنبش کارگری و کمونیستی در اینگونه کشورها بدل شده است.

مقابله با قطب های جهانی رویزیونیسم و ایجاد ستاد رهبری پرولتری در سطح جهان که مبارزه طبقه کارگر در کشورهای مختلف را تحت پرچم مارکسیسم - لنینیسم هدایت، سازماندهی و هماهنگ نماید، یک وظیفه اساسی کلیه احزاب و نیروهای کمونیست در سراسر جهان است. تحقق این امر درگرو تلاش برای ایجاد یک بین الملل نوین لنینی است و ما به سهم خود در این راه پیگیرانه مبارزه خواهیم کرد.

در دوره اخیر جنبش کمونیستی ایران، مارکسیسم انقلابی توانسته است در جریان مبارزه با رویزیونیسم پوپولیسیتی بعنوان اولین مانع در راه تشکیل حزب کمونیست، هویت ایدئولوژیک و سیاسی مستقل خود را تثبیت کرده و سرانجام پرچم بی‌نامسه لنینی را برافرازد. ایجاد حزب کمونیست مستلزم تداوم این مبارزه است. ما موفقیت طبقه کارگر ایران را در ایجاد آنچه انجمن حزب نیرومندی که توده های کارگر را وسیعاً تحت پرچم خود متشکل کند و پرولتاریای ایران را در ایفای نقش تاریخی اش در انقلاب حاضر و تحقق انقلاب سوسیالیستی هدایت نماید، درگرو مبارزه قاطع با اشکال مختلف رویزیونیسم در جنبش کارگری و کمونیستی و تصفیه کامل این جنبش از کلیه انحرافات رویزیونیستی میدانیم و شرکت فعالانه و پیگیر در این مبارزه را وظیفه اصلی و حیاتی خود بشمار می آوریم.

۱۱

حاکمیت رویزیونیسم بر حزب کمونیست شوروی به شکست و

عقب رانده شدن طبقهٔ کارگر جهانی از یک سنگرمهم خودانجامیده است. اکنون بورژوازی در شوروی موفق شده است که دیکتاتور پرولتاریا را از بین ببرد و حاکمیت سیاسی خود را در این کشور احیاء نماید. حزب کمونیست شوروی به حزبی بورژواژی بدل شده است و بورژوازی با اتکا بر آن، پیشروی اولیهٔ پرولتاریای شوروی در جهت ساختن سوسیالیسم را به شکست کشانیده و سرمایه‌داری انحصاری دولتی را در این کشور مستقر نموده است. شوروی کشوری امپریالیستی است و بورژوازی شوروی در رأس یکی از اردوگاه‌های امپریالیستی جهان، با اتکاء بر سیاستهای تجار و زگران و میلیتاریستی برای به‌انقیاد کشانیدن ملل ضعیف و حفظ و تحکیم موقعیت خود در تقسیم امپریالیستی جهسان تلاش میکند و در عین حال میکوشد تا با تکیه بر تحریفات رویزیونیستی ما رگسیسم به منظور حفظ حاکمیت خود بر پرولتاریای شوروی و کشورهای تحت سلطهٔ خویش و به‌انحراف کشیدن جنبشهای کارگری و انقلابی در سراسر جهان، ماهیت امپریالیستی و ضدانقلابی خود را تحت نام سوسیالیسم و ما رگسیسم پنهان سازد. شوروی امروز پرچمدار و نقطهٔ اتکاء رویزیونیسم خروشجفی است و دفاع این کشور از برخی رفرم‌های اقتصادی بورژواژی در کشورهای تحت سلطهٔ رفرم‌هایی که در عصر انقلابات پرولتری ماهیتاً ارتجاعی‌اند - سیاستی ریاکارانه در جهت به‌انحراف کشیدن جنبشهای ضد امپریالیستی و ابزاری برای گسترش و تحکیم موقعیت خویش در رقابت‌های جهانی امپریالیستی است.

در چین نیز با تسلط قطعی رویزیونیسم بر حزب کمونیست این کشور، طبقهٔ کارگر بطور کامل از قدرت سیاسی بیرون رانده شده و قدرت بورژوازی و نظام سرمایه‌داری در آن تحکیم یافته است. امروزه چین به‌ار دوگاه ضدانقلاب امپریالیستی جهان تعلق دارد و پرچمدار و نقطهٔ اتکاء رویزیونیسم "سه جهانی" و در

کنار امپریالیسم امریکا عمدتاً مدافع عریان ترین اشکال
ارتجاع بورژوازی است .

اما علی‌رغم همه شکست‌های موقتی که بورژوازی و امپریالیسم
بر طبقه کارگر و توده‌های ستمکش تحت رهبری او تحمیل کرده‌اند ،
و علی‌رغم تمام موانعی که بر سر راه انقلاب پرولتری قرار میدهند ،
مبارزه طبقاتی پرولتاریا ادامه یافته و پیروزی نهایی او
اجتناب‌ناپذیر است .

۱۲

نظریه و بیژگی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای
مختلف ، کمونیست‌ها برای رسیدن به هدف نهایی و مشترک خود
ناگزیرند در هر کشور مبارزه برای اهداف فوری متفاوتی را در
دستور کار خود قرار دهند . امپریالیسم بنا بر ماهیت خود
تقسیم‌بندی پایه‌ای عمده‌ای در جهان بوجود آورده است : کشورهای
امپریالیست و کشورهای تحت سلطه . امپریالیسم که مبارزه طبقاتی
در هر یک از آنها از شرایط خاص خود برخوردار است . رئیس‌کلی
این تفاوتها بقرار زیر است :

در سطح اقتصادی، امپریالیسم در کشور تحت سلطه شدیدترین
شرایط استثمار را بر طبقه کارگر و دیگر توده‌های زحمتکش اعمال
میکند ، در حالی‌که در کشور امپریالیست دقیقاً به تکیه همین
استثمار وحشیانه و کسب سودهای کلان پایه‌های مادی ایجاد اشرافیت
کارگری یعنی بخشی از طبقه کارگر که مستقیم و غیرمستقیم
از این فوق سود بهره‌مند میشود را بوجود میآورد .

در سطح سیاسی، در کشور تحت سلطه ، دیگر توده‌های زحمتکش
این قابلیت را دارند که در کنار طبقه کارگر مبارزه انقلابی
کشیده شوند ، در صورتیکه در کشور امپریالیست بخش معینی از خود
طبقه کارگر یعنی اشرافیت کارگری خصلت انقلابی خود را

از دست می‌دهد و به پایه مادی نفوذ و بقای ایدئولوژی بورژوازی در طبقه کارگر و سازمان‌های سیاسی آن بدل می‌گردد. امپریالیسم در کشور تحت سلطه عمدتاً با تکیه بر دیکتاتور ی عربیان و نفیسی دمکراسی در تمام ابعاد آن، حاکمیت بورژوازی را سرپا نگاه میدارد، حال آنکه در کشورهای امپریالیست نفوذ وسیع جریانات رویزیونیستی، رفرمیستی و اپورتونیستی در جنبش طبقه کارگر به بورژوازی امکان می‌دهد تا شکل دمکراسی بورژوازی را بمشابه پوششی برای اعمال قهر طبقاتی خود همچنان حفظ کند.

با اینکه در کشورهای سرمایه‌داری تحت سلطه امپریالیسم نیز سوسیالیسم تنها پاسخ انقلابی و قطعی به سرمایه‌داری محتضر عصر امپریالیسم است، اما تحقق آن در این کشورها از طریق یک سلسله انقلابات و قیام‌های بوقوع می‌پیوندد که به اشکال مختلف راه‌تسخیرنهائی قدرت توسط پرولتاریا را هموار میکنند. لذا جنبش‌ها و انقلابات دمکراتیک و رها شیخش در کشورهای تحت انقیاد امپریالیسم، نظیر مبارزات انقلابی ملل تحت ستم در سراسر جهان برای کسب حق تعیین سرنوشت، همگی در عملکردی نیروی ذخیره و اجزاء بالقوه انقلاب سوسیالیستی جهان هستند. پرولتاریا بشمار می‌روند.

۱۳

ایران کشوری سرمایه‌داری و تحت سلطه امپریالیسم است. خملت مشغله مناسبات تولیدی آن را استعمار شدید و وسیع نیروی کار ارزان طبقه کارگر تشکیل می‌دهد. بهره‌کشی از این نیروی کار ارزان جز لاینفک و شرط ضروری انباشت متعارف سرمایه در ایران است. این شرایط و مناسبات، که منهای آنرا سلطه امپریالیسم بر تولید اجتماعی و بازار داخلی تشکیل می‌دهد، سرمایه‌های غیرانحصاری را، علی‌رغم رقابتی که بر سر تملک دسترنج طبقه کارگر و

توده های زحمتکش غیرپرولتربا سرمایه انحصاری دارند، اساساً در ابقاء سلطه امپریالیسم و انحصارات امپریالیستی بر حیات اقتصادی و سیاسی کشور ذینفع میسازد، یعنی وحدت منسافع بنیادی اقشار مختلف بورژوازی، اعم از انحصاری و غیر انحصاری، در حفظ و ابقاء این شرایط استثمار گسترده و شدید، رقابت های درونی آنها را تحت الشعاع قرار میدهد.

در میان دو قطب پرولتاریا و بورژوازی، طیف گسترده ای از تولیدکنندگان و توزیع کنندگان خرد در شهر و روستا قرار گرفته اند که بخش قابل ملاحظه ای از جمعیت فعال کشور را تشکیل میدهند. وجود این خرده بورژوازی وسیع، یک ویژگی مهم تقسیم بندی طبقاتی در ایران است. بخش مهمی از این خرده بورژوازی، عمدتاً در شهرها، از آنجا که توانسته است در حاشیه و سایه سرمایه های بزرگ و انحصاری صنعتی و تجاری به کسب و کار بپردازد، در سالهای اخیر از موقعیت اقتصادی مساعدی برخوردار بوده است. اما توده وسیعتری از این خرده بورژوازی و عمدتاً تولیدکنندگان کوچک روستائی بار شد سرمایه داری در ایران بطور روزافزونی به ورطه ورشکستگی و فلاکت کشیده شده اند. قسمت اعظم اضافه محصول این تولیدکنندگان خرد بطرق مختلف توسط سرمایه های تجاری و ربائی و بانکها و غیره تصاحب میشود. سطح معیشت این اقشار نیز اساساً در رابطه با نیازهای سرمایه به منابع وسیع نیروی کار ارزان به حد بسیار نا زلی کاهش می یابد. این زحمتکشان غیرپرولتر که مستمراً در معرض جدائی از وسائل کسب و کار خود و پیوستن به صفوف کارگران مزدی قرار دارند، غیر مستقیم و بالقوه جزئی از ارتش ذخیره کار در کشور بشمار میروند.

ایران از نظر اقتصادی اساساً حوزه ای برای سودآوری کلان سرمایه انحصاری و انحصارات امپریالیستی محسوب میشود که در حال حاضر در تقسیم موجودجهان میان دول و دسته بندیهای

اقتصادی و سیاسی امپریالیستی جزء حیظه نفوذ و سلطه امپریالیسم آمریکا و بدرجه کمتری اروپای غربی و ژاپن قرار دارد. نیروی کار وسیع و ارزان طبقه کارگر که توده‌های وسیع زحمتکش فقیر غیرپرولتردر شهر و روستا ذخیره عظیمی برای آن بشمار میروند، منابع غنی نفتی و دیگر مواد اولیه، بازار وسیعی کسه برای محصولات کشورهای امپریالیستی بوجود آمده است و مکان جغرافیائی ویژه ایران در مجاورت خلیج فارس از یکسو و شوروی از سوی دیگر، همه این عوامل ایران را از نقطه نظر منافع اقتصادی و سیاسی امپریالیست‌ها از اهمیت حیاتی برخوردار میسازد.

امروز موقعیت ایران بمثابه یک کشور تولیدکننده و صادرکننده نفت در تقسیم کار جهانی امپریالیسم تشبیت شده است. صنعت نفت و درآمد حاصل از تولید و صدور مواد نفتی در سرمایه‌داری ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که نه فقط سودهای هنگفت و درآمد سرشاری نصیب کارتل‌های نفتی میکند، بلکه برای دولت بورژوازی ایران نیز منبع درآمد عظیمی بحساب می‌آید و گردش درآمد‌های نفتی دولت در بسا زار داخلی، چه بصورت مخارج مصرفی دولت و چه در شکل سرمایه‌گذارها و اعتبارات بانکی دولتی و در اشکال گوناگون دیگر، انباشت سرمایه در سطح کشور را سرعت و وسعت می‌بخشد، استعمار طبقه کارگر ایران و توده‌های زحمتکش را تشدید کرده و دامنه آن را گسترش میدهد و زمینه‌های بسیار مساعدی برای سودآوری کلان سرمایه در رشته‌های مختلف تولید و تجارت فراهم میسازد. به این ترتیب درآمد نفت در دست بورژوازی بمثابه عاملی در خدمت انقیاد اقتصادی و سیاسی هر چه بیشتر طبقه کارگر به بورژوازی و امپریالیسم عمل میکند.

حفظ این مناسبات و تداوم موقعیت ایران بمثابه یک کشور سرمایه‌داری تحت سلطه امپریالیسم و تحمیل این شرایط

استثما رشدیدبرتوده‌های کارگرو زحمتکش ، برای بسوزواری
مستلزم برقرار کردن خشن‌ترین رژیم‌های دیکتاتوری و دست‌زدن
به وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوبگرانه است . بعبارت دیگر
روبنای متناسب با سرمایه‌داری ایران ، دولتی مبتنسی بر
دیکتاتوری ، قهر و ارتجاع عریان است .

۱۴.

در چنین شرایطی پرولتاریای آگاه و حزب کمونیست او
نمی‌تواند به یک انقلاب بلاواسطه سوسیالیستی دست‌زند ، بلکه
ناگزیر است تا در وهله اول مساعده‌ترین زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های
اقتصادی و سیاسی را ، برای هر چه فشرده‌تر کردن صفوف خود ، برای
جلب بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان به زیر پرچم خود و برای
حرکت نهائی خود بسوی سوسیالیسم ، از طریق یک انقلاب
دمکراتیک پیروزمند بکف آورد . انقلابی که غیر از پرولتاریا ،
اقشار وسیع زحمتکش و ستمدیده غیر پرولتر در آن ذینفع و
سهیمند . این انقلاب طبیعه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای
ایران و جزء لایتجزای انقلاب سوسیالیستی جهانی است .
مضمون سیاسی و اقتصادی پیروزی انقلاب دمکراتیک تحقق
برنامه حداقل پرولتاریا است .

مضمون سیاسی برنامه حداقل پرولتاریا را در هم شکستن
دستگاه دولتی بوروکراتیک - نظامی بورژوازی و استقرار یک
حکومت دمکراتیک که ابزار اعمال اراده و حاکمیت کارگران و
زحمتکشان باشد تشکیل میدهد . این حکومت ضامن آنچنان دمکراسی
وسیعی خواهد بود که در آن مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه
بورژوازی میتواند به آزادانه‌ترین ، آشکارترین و وسیع‌ترین
شکل بسط و تکامل یابد .

مضمون اقتصادی برنامه حداقل پرولتاریا رانفی عملی

سلطه امپریالیسم بر شرایط زیست پرولتاریا و توده‌های زحمتکش و تهیدست، تأمین رفاه نسبی آنان و رفع موانع اقتصادی بسط مبارزه طبقاتی تشکیل میدهد، که به سهم خود مرپیوستگی زحمتکشان غیرپرولتسرا به مبارزه طبقه کارگر برای رهایی قطعی تسهیل خواهد کرد.

بنا بر این برنامه حداقل پرولتاریا هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی برنامه‌ای ضدامپریالیستی است که بویژه مناسب‌ترین شرایط اقتصادی و سیاسی مبارزه پرولتاریا برای انقلاب سوسیالیستی را فراهم می‌سازد.

ما اعلام می‌کنیم که شرط لازم بیسروزی انقلاب دمکراتیک ایران تشکیل حزب کمونیست و تأمین رهبری پرولتاریا در صفوف جنبش انقلابی است، و در عین حال تأکید می‌ورزیم که برای پرولتاریای انقلابی و حزب او پیروزی در انقلاب دمکراتیک پایان کار نیست و او از این انقلاب بیدرنگ و درست به میزان نیروی خویش، یعنی نیروی پرولتاریای آگاه و متشکل، به انقلاب سوسیالیستی گذر خواهد کرد. ما کمونیست‌ها خواهان انقلاب بی وقفه‌ایم.

۱۵

انقلاب کنونی ایران که برزمینه بحران اقتصادی اواسط سالهای ۵۰ شکل گرفت در اولین مراحل خود با قیام بهمن ماه ۱۳۵۷، رژیم سلطنت را که مدافع آشکارا استثمار و ارتجاع امپریالیستی در ایران بوده زیر کشید. اما بدلیل فقدان صف مستقل پرولتاریا و عدم تأمین رهبری او بر جنبش انقلابی، رهبری جنبش در اختیار جریاناتی قرار گرفت که از همان پیش از قیام خواستار ممنوع داشتن دستگاه دولتی بورژوازی از ضربات

انقلاب و حفظ پایه های اساسی حاکمیت سرمایه و امپریالیسم
در ایران بودند. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، بمثابه
یک رژیم بورژوازی، از بدو استقرار خود ممانعت از رشد و گسترش
انقلاب و سرکوب جنبش انقلابی و با لایحه جنبش کارگری و کمونیستی
را در دستور کار خود قرار داده و برای تحقق این هدف ضد انقلابی
خویش به هر جنایتی دست زده است.

اگر در ابتدا توهمات وسیع سیاسی و مذهبی توده ها به
رژیم امکان میداد تا سیاستهای ضد انقلابی خود را تحت نام
انقلاب به پیش برد، اکنون دیگر حربه عوامفریبی کارآئی خود
را از دست داده و جمهوری اسلامی ارکان حاکمیت خود را علناً
بر ارگانهای سرکوبگر و سیاست کشتار، ترور و آزار عابثکار در
سراسر کشور متکی نموده است. یورش وحشیانه، وسیع و سراسری
رژیم به جنبش انقلابی و جنبش کارگری و کمونیستی و اختناق
بی سابقه ای که اکنون بر کشور حاکم نموده است، خلعت ضد کارگری،
ضد مکرانیک و ضد انقلابی جمهوری اسلامی را بیش از هر زمان برای
توده های وسیع کارگرو زحمتکش برملا نموده است.

رژیم جمهوری اسلامی با استقرار حکومت مذهبی و بکار
گرفتن قوانین و نهادهای مذهبی برای مشروعیت بخشیدن به
دیکتاتوری بورژوازی در سرکوب انقلاب، با تلاش در تطهیر و
بازسازی ارتش و بوروکراسی مافوق مردم و ایجاد ارگانهای
جدید سرکوب طبقاتی بورژوازی از قبیل سپاه پاسداران،
با پس گرفتن دستاوردهای دمکراتیک قیام و ممانعت از اعمال
اراده دمکراتیک توده ها در تعیین سرنوشت و اداره امور خود و
نیز با تحمیل فقر و فلاکت شدید به توده های کارگرو زحمتکش نقش
ضد انقلابی خود را در خدمت اعاده اوضاع مطلوب بورژوازی و
امپریالیسم ایفاء نموده است.

بدین سان سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه مبصرم

پرولتاریا و جنبش انقلابی را تشکیل میدهد.



علیرغم تلاشهای بورژوازی و امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران، که با اتکاء بر رژیم جمهوری اسلامی و احزاب و جریانهای بورژوازی و ضدانقلابی حامی آن صورت میگردد، و علیرغم تلاشهای دسته‌بندیهای بورژوازی مخالف رژیم برای بهره‌رکود کشیدن جنبش انقلابی، انقلاب ادامه یافته و برای بسط پیروزمندانانه خود، شرکت فعال و آگاهانه پرولتاریا و ارائه آلترناتیو انقلابی او را طلب میکند.

آن نظام سیاسی که می‌باید با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جایگزین آن گردد نباید جمهوری پارلمانی باشد. تجربه سراسر جهان، و نیز اکنون تجربه ایران، بخوبی ثابت کرده است که پارلمان همچون ارتش، پلیس و دستگاه بوروکراتیک دولت، یعنی ابزارهای حکومت سرمایه‌داران اعم از سلطنتی و جمهوری چیزی جز ابزار سرکوب و تحمیق توده‌ها نیست.

ما برای یک جمهوری دمکراتیک انقلابی مبارزه میکنیم که نتیجه قیام و مبارزه قهرآمیز توده‌ها بوده و مقاومت و تلاشهای نیروهای راکه برای حفظ و یا اعاده رژیمهای استبدادی جمهوری اسلامی و سلطنت فعالیت میکنند درهم کوبد.

این جمهوری بر ارکان زیرمتکی خواهد بود:

- الف - حاکمیت مردم مبتنی بر دمکراسی شورائی
- ب - برجیده شدن ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه‌ای جدا از مردم و جایگزین شدن آنها با تسلیح عمومی مردم
- ج - برجیده شدن بوروکراسی دولتی مافوق مردم و

جا یگزینی آن توسط نظام دمکراتیک اداره
کشور؟

جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران باید نکات زیر را بنحوی
همه جانبه و پیگیر تضمین کند:

۱- حق حاکمیت مردم؛ اعمال حاکمیت توسط شوراهای مردم
که هم‌بمنا به قانندگان و هم‌بمنا به مجری قانون عمل
خواهند کرد، تشکیل کنگره سراسری نمایندگان شوراهای
مردم بعنوان عالیترین ارگان حکومتی کشور؛

۲- برجیده شدن ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح
حرفه‌ای جدا از مردم و سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی مخفی، تسلیح
عمومی مردم، تشکیل یک نیروی مسلح منظم بعنوان بخشی
از تسلیح عمومی مردم که بر اساس یک نظام دمکراتیک
سازماندهی و اداره میشود، آموزش نظامی مردم در تمام
سطوح؛

۳- حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام
افراد بالاتر از ۱۶ سال اعم از زن و مرد، حق هر فرد
بالاتر از ۱۸ سال برای انتخاب شدن در هر نهاد و ارگان
نماینده؛

۴- شرکت مستقیم مردم در اداره امور کشور؛ لغو اکیسد
انتخاب استناداران، فرمانداران، بخشداران و شهرداران
از سوی دولت، انتخابی بودن این مقامات در کلیه
سطوح توسط مردم و قابل عزل بودن آنها هرگاه که
اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند، افرادی که به
این ترتیب در مصادرا مور قرار میگیرند بدون استثناء
حقوقی برابر دستمزد یک کارگر ما هر دریافت میدارند،
حق افراد به اقامه دعوی علیه هر مقام دولتی در

دادگاه‌های عادی؟

۵- انتخابی بودن قضاات و سایر مقامات قضائی : قابل عزل بودن آنان هرگاه که اکثریت انتخاب‌کنندگان اراده کنند؛ لغو‌اکید هرگونه دادگاه‌های ویژه، علنی بودن کلیه محاکمات؟

۶- نظارت کامل مردم بر سیاست خارجی؛ لغو‌اکید دیپلماسی سری، شناسائی مبرایری حقوق کلیه ملل و پیشتیبانیسی مادی و معنوی از جنبشهای انقلابی کارگری، دمکراتیک و ضدامپریالیستی در سراسر جهان؛ افشاء و لغو قراردادهای اسارت با اقامت مادی، سیاسی و نظامی امپریالیستی؛

۷- جدائی کامل مذهب از دولت؛ لغو‌اکید؛

هرگونه امتیاز و تبعیض در مشاغل دولتی و حقوق قانونی افراد بر حسب مذهب و مقام مذهبی آنان، و بیاعتقاد و عدم اعتقاد آنان به مذهب؛

هرگونه پرداخت کمکهای مالی و غیرمالی دولتی به فعالیتها و موسسات مذهبی؛

هرگونه مواد درسی و رسم و آئین مذهبی اجباری در مدارس و موسسات تعلیم و تربیت دولتی؛

هیچیک از مذاهب بعنوان مذهب رسمی کشور شناخته نمی‌شود، مذهب امر خصوصی افراد تلقی میشود و کلیسه افراد کشور در اختیار کردن هرگونه مذهب و یا نداشتن هیچگونه مذهب آزادند.

۸- حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، کلیه ملل ساکنین ایران آزادند که سرنوشت خویش را به شکل و منجمله با جدائی کامل و تشکیل دولت مستقل تعیین کنند.

جمهوری دمکراتیک انقلابی باید بر اساس اتحادیه
داوطلبانه ملتها، و نه الحاق اجباری آنها، تشکیل
گردد.

لغواکیده هرگونه زبان رسمی اجباری: آزادی ملیتها
وقومها در بکار بردن زبان مادری خویش در مدارس،
ادارات، رسانه های جمعی و غیره در کلیه نقاط کشور؛

۹- آزادی بی قید و شرط سیاسی: آزادی عقیده، بیان،
مطبوعات، آزادی اجتماعات، انتخابات، تظاهرات،
اعتصاب، تحمن، تشکیل سندیکا، اتحادیه و هرگونه
تشکل صنفی و سیاسی؛

۱۰- برابری زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و لغو هرگونه
تبعیض قانونی بر اساس جنسیت؛

۱۱- تساوی کامل حقوق قانونی کلیه افراد کشور صرف نظر
از مذهب و مرام و عقیده سیاسی، رفع هرگونه تبعیض و
محدودیت قانونی از اقلیت های مذهبی و رفع هرگونه
محدودیت در حقوق قانونی افراد بر حسب مرام و عقیده
سیاسی؛

۱۲- آزادی انتخاب شغل و محل سکونت، آزادی سفر و اقامت
در تمام نقاط کشور برای کلیه افراد و مصونیت قانونی
هر فرد و محل سکونت او؛ رفع دخالت های پلیسی در زندگی
خصوصی افراد.



در شرایطی که تأمین حداقل معیشت و رفاه، برای کارگران
مستلزم تن در دادن بکار شبانه روزی و شاق و طاقت فرسائی است

که نیرو و تندرستی آنان را تحلیل می برد و امکان و فرصت رشد معنوی و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی را از آنان سلب میکند، ما برای تأمین آسایش و رفاه مادی کارگران و به منظور مصون داشتن طبقه کارگرا از تباهی روحی و جسمی و افزایش توان او در مبارزه برای رهایی قطعی از یوغ ستم و استثمار سرمایه داری، تحقق نکات زیر را برای کلیه کارگران خواستاریم:

۱- تقلیل کار هفتگی به حداکثر ۴۰ ساعت و مقرر شدن حداقل دوروز تعطیل متوالی در هر هفته برای هر کارگر؛ افزایش مرخصی سالیانه به ۳۰ روز علاوه بر تعطیلات رسمی به مسا پرداخت حقوق و مزایای کامل؛

۲- تعیین حداقل دستمزد رسمی با تصویب نمایندگان سراسری منتخب کارگران بر پایه هزینه‌ها و مسائل معیشت و رفاه خانواده؛ ۵ نفری و افزایش سطح دستمزد به متناسب با بالارفتن بهای و مسائل معیشت و با در نظر داشتن بهبود سطح زندگی؛

۳- تعیین دستمزد، مزایا و مدت استراحت در فواصل کار روزانه بر حسب سختی، مخاطرات، وضعیت بهداشتی و دیگر شرایط فیزیکی کار با تصویب نمایندگان منتخب کارگران؛

۴- ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و احواله تصمیم نهائی در همه موارد اخراج به رأی مجمع عمومی کارگران و احد مربوطه؛ نظارت نمایندگان منتخب کارگران بر امر استخدام؛

۵- ممنوعیت هرگونه اضافه کاری؛

۶- ممنوعیت شب کاری (۱۰ شب تا ۶ صبح) در تمام رشته‌ها

به استثناء رشته‌هایی که بدلائل فنی و با رفاها اجتماعاً شب کاری در آنها اجتناب ناپذیر است؛ پرداخت دستمزد و مزایای دوبرابر برای کارشبانه، پرداخت حق شیفت برای نوبت کاری؛

۷- ممنوعیت هرگونه کار-مزدی (اعم از قطعه کاری و کار کنتراتی) و ممنوعیت پرداخت دستمزد بصورت جنسی و غیرنقدی؛

۸- ممنوعیت هرگونه جریمه و کسر دستمزد به بهانه‌های مختلف، پرداخت حقوق برای غیبت‌های موجه، دوران بیماری و نقاهت، زمان اعتماد و هرگونه توقف تولید بدلائل مختلف و یا به بهانه‌های کارفرما؛

۹- احتساب زمان صرف غذا، استحمام بعد از کار و مسان تشکیل مجمع عمومی و شرکت کارگران در کلاسهای سوادآموزی جزو ساعات کارگران، تأمین هزینه‌های و ذهاب از طرف کارفرما، پرداخت مبلغی معادل دستمزد یکساعت کار با بت زمان صرف شده برای ایاب و ذهاب؛

۱۰- تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات محیط کار به حداقل ممکن، مستقل از ملاحظات سودجویانه؛ نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماریهای ناشی از نوع کار به هزینه کارفرمایان و دولت؛

۱۱- بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار یا خارج از آن رخ دهد و بدون اینکه کارگرنیازی به اثبات قصور کارفرما

و یا مدیریت واحد تولیدی داشته باشد، به هزینه‌ها
کارفرمایان و دولت با تشخیص و نظارت نمایندگان منتخب
کارگران؛ پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر سوانح
و ضایعات ناشی از کار دچار بیماری و نقص عضو میشوند و
بیاتوانانی که رکود را از دست می‌دهند. پرداخت
حقوق و مزایای کامل بازنشستگی به کارگران — مورد
اخیر،

لغو پرداخت حق بیمه از طرف کارگران؛

۱۲- تقلیل حداکثر سن بازنشستگی به ۵۵ سال و یا پس از ۲۵

سال سابقه کار و پرداخت حقوق و مزایای کامل به کارگران
بازنشسته از طرف دولت؛ پرداخت حقوق و مزایای کامل
بازنشستگی کارگران متوفی به افراد تحت تکفل آنان،
ترمیم حقوق و مزایای بازنشستگی همراه با افزایش
سطح دستمزدها،

در نظر گرفتن مجموع سنوات کار کارگران در کارخانه‌ها
و یادوره‌های مختلف در احتساب پایه حقوق و مزایای
کارگران؛

۱۳- مزد برابر برای زنان و مردان در اداء کار برابر؛

۱۴- ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که از نظر جسمانی برای

زنان زیان بخش است و ممنوعیت سپردن کار سنگین به
زنان باردار، ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان
برای زنان کارگر بدون کسر حقوق و مزایا؛ مقرر شدن
دوروز مرخصی ماهانه اضافی برای زنان بسا پرداخت
حقوق و مزایای کامل؛

۱۵- کاهش روز کارمندان شیرده به ۷ ساعت شامل دونوبت

تنفس و استراحت نیم‌ساعته در فواصل حداکثر سه ساعته؛

۱۶- ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان زیر
۱۸ سال،

۱۷- تأمین نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محلات
سازمانی مسکونی، از قبیل: سالن اجتماعات، سالن
استراحت، غذاخوری، حمام و دستشویی، زمین و سالن
ورزش، شیرخوارگاه و مهدکودک، درمانگاه، کتابخانه
و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به‌هزینه کارفرمایان
و دولت،

۱۸- تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاهها و واحدهای
تولیدی و اقتصادی با تصویب و نظارت نمایندگان منتخب
کارگران،

۱۹- تشکیل دادگاههای حل اختلافات با هیأت منصفه‌ای
متشکل از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت در
موارد اختلاف کارگر و کارفرما؛ هزینه تشکیل دادگاهها
باید تماماً برعهده کارفرمایان باشد.

۲۰- تشکیل هیأت‌های بازرسی کارگری به انتخاب کارگران؛
این هیأت‌ها از چگونگی تحقق نکات فوق در کلیه واحدهای
تولیدی و بطور کلی تمام اماکنی که کارگران در آن
مشغول بکارند (از جمله خدمات خانگی) بازرسی و
حسابرسی خواهند کرد.



همچنین به منظور ارتقاء سطح فرهنگ و رفاه عمومی که بنوبه
خودا مرپیوستن سایر زحمتمکشان جامعه را به مبارزه طبقه کارگر
برای رهایی قطعی تسهیل خواهد کرد، تحقق نکات زیر را مطالبه

می‌نمائیم :

۱- بیمهٔ بیکاری مکفی برپایهٔ حداقل دستمزد برای هر فرد بیکار بالای ۱۸ سال ؟

۲- تأمین و تضمین مسکن مناسب (از نظر فضا ، بهداشت و خدمات شهری) برای کلیهٔ افراد کشور و اقدامات عاجل در این زمینه از طریق : صادرهٔ کلیهٔ اراضی زمین‌خواران و اماکن تجملی و زائد شروتمندان ، ساختمان‌های ادارات و دوایر دولتی زائد ، هتل‌ها و مهمانسراهای لوکس و اجرای پروژه‌های کوتاه‌مدت خانه‌سازی در اراضی صادره شده به‌هزینهٔ دولت ، با تشخیص و توسط ارگانهای دمکراتیک مردمی ؟

۳- بهداشت و درمان ملی ، رایگان و مناسب برای کلیهٔ افراد و اتباع کشور ؛ انحلال طب خصوصی و معاینسهٔ اجباری سالانه و منظم تمام افراد و اتباع کشور ؛

۴- آموزش رایگان در کلیهٔ سطوح و برای کلیهٔ افراد ؛ اجباری بودن آموزش تا سن ۱۸ سال ؛

۵- ایجاد تسهیلات فرهنگی و رفاهی در تمام مناطق محروم ، اعم از شهری و روستائی ، از قبیل برق ، تلفن ، لوله‌کشی آب آشامیدنی ، حمام ، راه ، مدرسه ، درمانگاه ، ورزشگاه ، سالن اجتماعات و غیره به‌هزینهٔ دولت ؛

۶- ایجاد مؤسسات خدماتی ویژه به منظور کاهش بار کار خانگی ، از قبیل رختشویخانه ، غذاخوری ، مهدکودک ، شیرخوارگاه و غیره در محلات مسکونی ؛

۷- لغو هرگونه مالیات غیر مستقیم ؛

۸- قرار گرفتن کلیهٔ کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که

فاقد تا مین معیشتی و رفاهی از طریق خانواده میباشند ،
تحت تکفل دولت و همچنین تا مین زندگی و رفاه معلولین
و سالخوردهگان توسط دولت ؛

۹- لغو هرگونه عوارض دولتی در مواردی چون ثبت تولد ،
ازدواج و طلاق ، صدور اسناد و مدارک تحصیلی و گواهینامه های
فنی و رایگان بودن امرکفن و دفن ؛

۱۰- ممنوعیت ازدواج دختران و پسران کمتر از ۱۸ سال و
آزادی تمام افراد بالای ۱۸ سال در تشکیل خانواده
به اراده خود ؛ برسمیت شناخته شدن ازدواج از طریق
ثبت در دفاتر دولتی ؛ ممنوعیت تعدد زوجات ، برابری
حقوق زن و مرد در امر طلاق و تکفل فرزندان .



ما همچنین به منظور تسهیل امر بیست مبارزه طبقاتی در
روستا و بسالاً بردن رفاه زحمتکشان روستا ، برنامه ارضی
زیر را اعلام میداریم :

بدنبال اصلاحات امپریالیستی سالهای ۴۰ ،
توده های وسیعی از دهقانان از مالکیت زمین و دیگر
وسائل عمده تولید جدا شده و بصورت کارگران مزدی روانه
بازار کار شده اند . همچنین اقشار زیادی بصورت دهقانان
فقیر خورده پاشی (نیمه پرولتر) درآمد اندک در آمدشان از
تکه زمینی که دارند کفاف حداقل معیشتشان را نکرده و
ناچاراً ز فروش نیروی کار خویش در قسمتی از سال میباشند .
مسئله ارضی به مفهوم برجیدن قید و بند های
فئودالی بر سوره رشد سرمایه داری در روستا ، از میان
رفتن اقتصاد طبیعی و جایگزین شدن اقتصاد کالائی بجای

آن و "آزاد" شدن و کالاشدن نیروی کار حل شده است، و در این معنای مسئله، ارضی دیگر مضمون اقتصادی انقلاب دمکراتیک را تشکیل نمیده.

تصاحب زمین های وسیع توسط بورژوا - ملاکان و آهنگ کند انباشت سرمایه در روستا، زمینهای مادی خواست ارضی را از جانب زحمتکشان روستا در شرایط کنونی تشکیل میدهد. بحران فعلی سرمایه داری ایران که موجب تشدید بیکاری در سطح جامعه گردیده، خواست مصادره ارضی را افزایش داده است.

از این رو ما اعلام میداریم که :

۱- از جنبه های انقلابی و دمکراتیک جنبش دهقانی، منجمله از مصادره ارضی توسط زحمتکشان روستا حمایت میکنیم و اقدامات شورائی و ارگانهای دمکراتیک محلی در مناطق روستائی را در اداره و بهره برداری از ارضی برسمیت می شناسیم.

شکل پیشنهادی ما برای بهره برداری صحیح از زمین، منابع و وسائل تولید کشاورزی در جهت منافع عمومی و بخصوص منافع زحمتکشان، با در نظر گرفتن ویژگیهای موجود در نظام مالکیت و روشهای تولید و بهره برداری در مناطق مختلف کشور، تعیین میشود. اما، بعنوان یک اصل کلی، از آن شیوه ها و اشکال اداره و بهره برداری حمایت میکنیم که حداکثر کمک را به امر تشکیل پرولتاریای روستا و همچنین بکارگیری روشهای پیشرفته تولیدی بنماید.

۲- میکوشیم تا همراه با تبلیغ مستمر سوسیالیسم بمثابه راه حل نهائی از میان بردن فقر و استثمار و توضیح همسرنوشتی کارگران روستا با پرولتاریای شهر،

پرولتاریای روستا را در تشکیلات مستقل طبقا تسی اش سازماندهی کرده و او را در کسب و اعمال رهبری درشوراها و ارگانهای دمکراتیک محلی در مناطق روستایی و در تعیین چگونگی اداره و بهره برداری از اراضی مصادره شده حمایت و رهبری نمائیم .

۳- ما خواستار لغو کلیه دیون و بدهی های دهقانان به زمینداران، دولت و بانکها هستیم .

۴- جمهوری دمکراتیک انقلابی کلیه اراضی شهسری و روستایی، جنگلها، آبها و منابع با اهمیت ملی را در سراسر کشور ملی خواهند نمود . منظور از ملی کردن اینست که کلیه اراضی و منابع تحت مالکیت دولت قرار گیرد ، اما حق بهره برداری و واگذاری آن در اختیار ارگانهای دمکراتیک محلی و منطقه ای مردم باشد .



ما برای تضمین اهداف و تأمین خواسته های اقتصادی و رفاهی فوق انجام اقدامات زیر را از جانب جمهوری دمکراتیک انقلابی ضروری میدانیم :

۱- در اختیار گرفتن منابع و مؤسساتی که هم اکنون در دست دولت است ؛

۲- ملی کردن بانکها و ادغام آنها در یک بانک واحد دولتی و اعمال کنترل دمکراتیک بر آن ؛

۳- ملی کردن شرکتهای بیمه و ادغام آنها در یک شرکت واحد بیمه و اعمال کنترل دمکراتیک بر آن ؛

۴- برقرار کردن کنترل شورا های کارگری بر تولید در

صنایع خصوصی و دولتی؛ نظارت شوراهای دمکراتیک
مردم بر امر توزیع کالاها؛ کنترل شوراهای دمکراتیک
مردم بر تجارت خارجی.

۵- ملی کردن موقوفات و مقررداشتن مالیات تصاعدی بر
ارث و دارائی و بردارندهای حاصل از مالکیت وسائل
تولید و مبادله .



ما قاطعانه اعلام میداریم که تأمین پیگیر و همه جانبه
مطالبات سیاسی و اقتصادی حداقل پرولتاریای ایران تنها از
طریق جمهوری دمکراتیک انقلابی ممکن خواهد بود. از اینرو ما
با تمام احزاب و جریانات رفرمیستی که گسترش دخالتهای پلیسی
و بوروکراتیک دولت در زندگی توده‌های مردم را بعنوان گامی
به پیش تبلیغ میکنند، پیگیرانه مبارزه خواهیم کرد. در عین
حال از هر جنبشی که مخالف نظام اجتماعی - سیاسی موجود بوده
و بنحوی انقلابی در راه تحقق تمام یا قسمتی از نکات برنامسه
حداقل مبارزه کند، پشتیبانی میکنیم.

پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!

www.iran-archive.com

۵۰ ریال



کتابخانه

انتشارات کومهله